

قهرمانان تنهایی در یک شهر

درنگی در تجربه، اندیشه
وزیرت جریان «جنگ ادبی اصفهان»
۱۳۳۲ تا ۱۳۶۰

حامد قسری



www.ketab.ir

سرشناسه: قصری، حامد، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: قهرمانان تنهایی در یک شهر: درنگی در تجربه، اندیشه و زیست جریان جنگ ادبی اصفهان ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۰ / حامد قصری.

مشخصات نشر: تهران: کتاب سرزمین، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص: مصور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۸۰۶-۵-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: عنوان اصلی: درنگی در تجربه، اندیشه و زیست جریان جنگ ادبی اصفهان ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۰.

موضوع: ادبیات فارسی -- ایران -- اصفهان

موضوع: Persian Literature -- Iran -- Esfahan

موضوع: ادبیات فارسی -- ایران -- اصفهان -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian Literature -- Iran -- Esfahan -- History and criticism

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۸۵۳

رده‌بندی دیویی: ۸۰۶۲ / ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۵۷۷۴

وضعیت رکورد: فیبا

درنگی در تجربه، اندیشه

و زیست جریان «جنگ ادبی اصفهان»

۱۳۳۲ تا ۱۳۶۰

حامد قصری

قهرمانان تنهایی
در یک شهر



کتاب سرزمین

ویراستار: علیرضا تولایی

صفحه‌آرایی: مریم درخشان

طراح جلد: امیرمهدی مصلحی

ناظر چاپ: مصطفی شریفی

ناشر: کتاب سرزمین

چاپ یکم: زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۸۰۶-۵-۰

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

نشانی: خیابان انقلاب، فخررازی، کوچه فاتحی داریان،

پلاک ۶، طبقه زیر همکف، واحد ۱. تلفن: ۶۶۹۶۷۰۰۷-۸

هرگونه بهره‌برداری مستند از این کتاب تنها با اجازه‌ی کتبی ناشر بلامانع است.

فهرست

۱۱	اصفهان
۱۳	مقدمه
۲۱	تعریف جنگ
۲۵	نویسندگانی که در عبار کم شدند
	کودتای ۱۳۳۲ و تأثیرات منفی آن بر هنرمندان
۳۱	دبیرستان‌های مدرن
	دانش‌آموزانی که نامی شدند
۴۱	ماجرای نود نفری که در اصفهان دستگیر می‌شوند
	گلشیری گرایش‌های سیاسی داشت
۴۷	نحوه‌ی شکل‌گیری انجمن صائب
	جوانان جلسات سنت‌گرایان را به هم می‌ریزند
۵۷	قبر صائب و دور هم جمع شدن‌هایی که به درون خانه‌ها کشیده شد
	ضرورت انتشار دفترهای جنگ
۶۳	جریان‌سازی تاریخی: نخستین دیدارها و رسمی‌شدن جلسه‌ها
	آغاز جنگ
۷۱	خانه‌ای با اندرونی و بیرونی
	جلسه‌های جنگ به خانه‌ها کشیده می‌شود

- ۷۵ از جیب اعضا تا کارخانه‌ی نئون لامپ
- شرایط مالی جنگ چگونه بود؟
- ۸۱ همه نظر می‌دادند
- جنگ سردبیر نداشت
- ۸۷ هدف آفرینش ادبی بود
- فضای جنگ سیاسی نبود
- ۹۱ فضای جنگ مردانه بود
- مردان بدون زنان!
- ۹۳ آن مقاله‌های تأثیرگذار
- محتوای جنگ ادبیاتِ روز جهان بود
- ۹۹ جان‌پناه بچه‌های جنگ
- نقش تأثیرگذار ابوالحسن نجفی
- ۱۰۷ اصطلاحی به نام «جوان‌ترهای جنگ»
- راه‌یافتن به جنگ آسان نبود
- ۱۱۵ قرارمان کافه‌قنادی پارک
- فرهنگ کافه و کافه‌نشینی
- ۱۲۱ نقش کتاب‌فروشی‌ها در قرارهای اعضای جنگ
- این‌جا کتاب‌فروشی تأیید است
- ۱۲۵ تأثیر بر دیگران
- جنگ معلم ما بود
- ۱۳۱ شاملو، اخوان، جلال آل‌احمد، به اصفهان آمدند
- هندسه‌ی فضایی جنگ ترسیم‌شدنی بود
- ۱۴۳ طرف مأمور است
- ساواک جنگ را زیر نظر داشت
- ۱۴۹ تحجر، مهاجرت به تهران، جنگ و دیگر هیچ
- پایان جنگ!

در کافه قنادی پارک بود که نخستین بار ابوالفضل را شناختم. هر روز پس از ساعت پنج عصر مردی لاغر که لباسی آراسته پوشیده بود به کافه قنادی می آمد. پیشانی اش بلند بود. موی جوگندمی انبوه اش را به عقب شانه کرده بود، عینک دسته شاخی اش بینی عقابی اش را ظریف نشان می داد. دست های بزرگش را موی قهوه ای پوشانده بود. همیشه کتابی در دست داشت. در پشت میزی، در زاویه ای خلوت می نشست. جای سفارش می داد. پیش را چاق می کرد و اگر هم صحبتی نداشت کتاب می خواند. روزی درباره ی یکی از نمایش های سارتر که به زبانی فصیح ترجمه شده بود با دوستی گپ می زدم. کنجکاو بودم بدانم مترجم توانای آن چه کسی است. دوستم مرد آراسته پپ کشان را به من نشان داد. با محمد درباره ی کتاب و مترجم آن حرف زدم. دریافتم که نامش ابوالفضل است و به تازگی از سفر درازمدت خود به فرانسه بازگشته است. محمد گفت که او و ابوالفضل و هوشنگ تصمیم گرفته اند هر هفته جلسات ادبی برگزار کنند و محصول کار اعضای جلسه را به صورت جنگی منتشر گردانند. پرسیدم هوشنگ کیست؟ گفت نویسنده ای جوان. نویسنده ای که ابتدا کار هنری اش را با شعر گفتن آغاز کرده است و اکنون

می‌خواهد همه‌ی کوشش خود را مصروف نوشتن داستان کند. محمد مرا نیز به شرکت در این جلسات تشویق کرد. بدین‌سان، من نه تنها با سه دوست معلم، بلکه با سه جلوه‌ی هنر ادبیات، یعنی شعر و داستان و ترجمه آشنا شدم. مهم این بود که همه‌ی اعضای این جلسات جوان بودند. مهم این بود که هیچ‌کس نمی‌خواست برتری شخصی‌اش را بر دیگران نشان بدهد... در طی این جلسات بود که آموختم انتقاد چه اندازه سازنده است و تا چه حد برای کار نویسنده و شاعر ضروری است. شرکت‌کنندگان در جلسه نیز این را می‌دانستند. مهم این بود که نظر هر یک از ما بر دیگری ارزشمند شمرده می‌شد. البته تجربه و دانش ابوالفضل، یا محمد، یا هوشنگ از ما نوجوانان به‌قول معروف بچه‌مدرسه‌ای بیش‌تر بود. اما هر سه چنان به انتقاد بقیه کوش می‌دادند که بقیه به اظهار نظر آن‌ها.

از رمان «شب هول، هرمز شهدادی»